



8 می 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

## تشکیل "اکادمی های نظامی" - زیر نام "مدارس دینی"

حقیقتی که همه بخصوص جهان و منطقه باید از آن آگاه شوند، اینست که افغانستان در واقع تحت اداره امارت طالبان در واقع بطور ملموس و تدریجی مبدل به یک "اکادمی نظامی سفید پوشان" میگردد که زیر نام "مدارس دینی" در حال شکل گیری است. مردم افغانستان که بطور کل در دینداری و احترام به ارزشهای دینی سخت پابند و حتی تا حد "تعصب دینی" شهرت بسزا دارند، با این پدیده ناخود آگاه در دام مرموز و خطیری کسانی خواهند افتاد که میکوشند این سرزمین را به یک ماشینری جنگی برمبنای های اعتقادی مبدل سازند که نه در اسلام واقعی جایگاه دارد و نه به نفع مردم است، بلکه برعکس زمینه های نا آرامی، خشونت، جنگ و ویرانی را در این کشور بلاکشیده در مدت دراز فراهم خواهد کرد و فراتر از آن موجب مداخلات مزید بیرونی در این کشور خواهد شد و آینده بسیار تاریک را در قبال خواهد داشت که برگشت از آن، اگر امروز جلو آن گرفته نشود، بعدها مشکل و حتی ناممکن خواهد بود.

در ارتباط با تصمیم اخیر امارت طالبان مبنی با اینکه میخواهند در هر ولایت افغانستان یک مدرسه بزرگ دینی و در هر ولسوالی تا ده مدرسه کوچک ایجاد کنند، امروز یک مقاله مختصر، اما پرمحتوی را بقلم عبدالشهید ثاقب خواندم که به این سؤال "هدف طالبان از تاسیس صدها مدرسه جهادی در افغانستان چیست؟" خواندم که در سایت فراسی/دري بی بی سی مورخ 17 ثور 1401 (7 می 2022) به نشر رسیده است. این نوشته را بخوانید تا از عمق یک اقدام خطیر آگاه شوید که با سرنوشت آینده کشور و نسلهای بعدی پیوند میخورد. این شما و این متن مقاله که عیناً اقتباس گردیده است:

### هدف طالبان از تاسیس صدها 'مدرسه جهادی' در افغانستان چیست؟

- عبدالشهید ثاقب
- ۱۷ ثور/اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۷ مه ۲۰۲۲

وزیر معارف طالبان به تازگی گفته است که این گروه تصمیم دارد در هر ولایت افغانستان یک مدرسه دینی بزرگ و در هر ولسوالی/شهرستان تا ۱۰ مدرسه دینی کوچک ایجاد کنند. طالبان این تصمیم را در حالی گرفته است که همین اکنون، مطابق آماري که در سال ۱۳۹۷ اعلام شد، در افغانستان نزدیک به ۱۳ هزار مدرسه دینی ثبت نشده و ۱۲۷۵ باب مدرسه ثبت شده در دولت، به علاوه ۱۵۰ باب دارالعلوم، فعالیت دارند.

پرسش این است که با وجود این همه مدرسه دینی، چرا گروه طالبان به جای توجه به تعلیم و تربیت مدرن و توسعه و گسترش مکاتب که نیاز عصر ما است، تصمیم گرفته که مدارس دینی تازه تاسیس کند؟ پیامدهای این امر برای افغانستان و منطقه چیست؟

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ



## "علم نافع"

در دوره نخست حکومت طالبان در دهه ۱۹۹۰، در مدرسه دینی بودم و آخرین سال طلبه‌گی‌ام را که مصادف با واپسین سال حکومت طالبان بود، در مدرسه‌ای در درونته جلال‌آباد گذراندم. مدرسه بزرگ و پرامکاناتی بود، ملاهای مشهور از افغانستان و پاکستان را به عنوان مدرس در آنجا استخدام کرده بودند، لیلیه/خوابگاه و صنوف درسی مجهزی داشت، و در یک کلام این‌که مسئولان محلی طالبان در آن ولایت به آن جداً توجه می‌کردند. در کنار مدرسه ما، دانشگاه جلال‌آباد موقعیت داشت. برخلاف مدرسه، اما دانشگاه جلال‌آباد چندان وضعیت مناسبی نداشت. نه از خوابگاه مجهز و امکانات خیری بود و نه از توجه و حتی نیم‌نگاهی مسئولان اثری. به همان اندازه‌ای که به اولی به عنوان یک نهاد نازپروده می‌نگریستند، با دومی به حیث یک نهاد حشو و زاید برخورد می‌شد.

توجه طالبان به مدرسه‌سازی دینی و بی‌مهری آنان به مکاتب مدرن از ذهنیتی سرچشمه می‌گیرد که در مدارس دیوبندی پاکستان حاکم است. در مدارس دیوبندی باور بر این است که تنها علم نافع، علوم دینی‌اند و سایر علوم نه تنها سودمند نیستند بلکه اکثراً باعث ضلالت و گمراهی نیز می‌گردند. ظاهراً، این مدارس چنین ذهنیتی را از امام محمد غزالی وام گرفته‌اند. من چندی پیش رساله "یا ایها الولد!" امام محمد غزالی را می‌خواندم که توسط زاهد ویسی با عنوان "چنین گفت غزالی" ترجمه شده است. غزالی این رساله را در پاسخ نامه‌ای یکی از شاگردان خود نگاشته که پرسیده بود: "من چندین نوع علم را خوانده‌ام و بهترین دوران زندگی و بهار عمرم را در راه یادگیری آن‌ها سپری کرده‌ام. اکنون لازم است بدانم کدام یک از آن علوم، فردا (روز قیامت) به دردم می‌خورند و در آخرت با من هم‌تشین می‌شوند و کدامیک از آن‌ها (برای آن وقت) فایده‌ای ندارند تا از آن‌ها دست بردارم؛ چنان‌که رسول الله (ص) فرموده است: اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع.

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

... هر چند نوشته‌های شیخ مانند احیای علوم الدین و سایر آثار ایشان، پاسخ پرسش‌های مرا در برداشتند، اما خواستم که شیخ پاسخ مرا در چند صفحه بنویسد تا در روزهای باقی‌مانده عمرم همراهم باشد. و اگر خداوند بخواهد به آنچه در آن‌ها است عمل نمایم."

غزالی در پاسخ او این رساله را می‌نویسد. لب لباب سخن او در این رساله دو چیز است: ۱ - علمی مانند کلام، خلاف، پزشکی، دواوین (دیوان‌داری)، اشعار، نجوم، عروض، نحو و صرف، از علوم غیرنافع است و اشتغال به آن‌ها باعث ضیاع عمر در راه بیهوده می‌شود. تنها علمی که به نظر او، نافع است، علم دین است، آن هم مشروط به این‌که توام با عمل باشد. البته او اعتقاد به رهایی‌بخشی علم مجرد (علم بدون عمل) را پندار باطل فلاسفه می‌داند.

۲ - و این‌که حتماً افراط در تحصیل علوم دینی نیز ضیاع وقت می‌داند. به عقیده او، باید اندکی آموخت اما عمل کرد. او در این خصوص به سخن شبلی و حاتم اصم استناد می‌کند: "حکایت شده که شبلی به چهارصد استاد و دانشمند رسید (و از محضر ایشان استفاده کرد). هم‌او گفته است که: چهار هزار حدیث را خواندم؛ دست آخر از میان آن‌ها یک حدیث را برگزیدم و بدان عمل نمودم و ما بقی را کنار گذاشتم؛ چرا که در این حدیث بسیار اندیشه کردم و نجات و رستگاری خود را در آن یافتم و پی بردم که اولین و آخرین علوم در آن مندرج و نهفته است، پس بدان اکتفا نمودم، حدیث هم این است که رسول الله به یکی از یاران خود فرمود: اعمال لدنیاک بقدر مقامک فیها، و اعمال لآخرتک بقدر بقائک فیها، و اعمال لله بقدر حاجتک الیه و اعمال للنار بقدر صبرک علیها."

و از حاتم اصم حکایت می‌کند که "روزی شقیق بلخی از او پرسید: مدت سی سال با من همراهی و هم‌نشینی کردی. در این مدت حاصل و دستاورد تو چه بوده است؟ حاتم گفت از مجموعه دانش هشت فایده را کسب کردم که دیگر مرا از دانش‌آموزی و دانش‌اندوزی بی‌نیاز می‌کند...."

وقتی غزالی این دو حکایت را به پایان می‌رساند، به رسم نتیجه‌گیری می‌نویسد: "فرزندم! از این دو داستان دانستی که به افزایش علم نیاز نداری." البته غزالی در باره علم نافع تنها در این کتاب صحبت نکرده است، بل در مقدمه کتاب "المستصفی من علم الاصول" نیز علوم را به سه دسته تقسیم کرده می‌نویسد: "نخست عقلی محض است که شریعت آن را ترغیب نمی‌کند و مندوب نمی‌شمارد، مانند هندسه و حساب و نجوم و امثال آن که یا ظنون کاذبه است و به آن اعتمادی نیست، به درستی که برخی گمان‌ها گناه است، و یا علوم صادقه که منفعتی ندارد و از علوم غیرنافع به خدا پناه می‌بریم و منفعت در شهوت‌های حاضر و نعمت‌های فراوان چون فانی و نابودشونده است، نیست. بلکه نفع اصلی پاداش خانه آخرت است. و دیگر دانش نقلی محض است مانند احادیث و تفاسیر. در این دانش‌ها به آسانی اشتباه صورت می‌گیرد... " و در پایان، علم اصول فقه و علم فقه را شریف‌ترین دانش‌ها می‌خواند.

غزالی، روحانی‌ای است که نخستین بار در تاریخ تمدن اسلامی لقب حجت الاسلام برای او به کار رفته است. او به حیث مدیر مدرسه نظامیه از حمایت رسمی دستگاه سیاسی برخوردار بود. به همین خاطر، عقاید و باورهای او که او مطرح می‌کرد، به زودی فراگیر می‌شد و مشروعیت می‌یافت. بنابراین، او با طرح این دیدگاه‌ها، مانیفیستی برای علم‌ستیزی در جهان اسلام فراهم کرد که تا هنوز در میان اقشار سنتی کاربرد دارد. شاید از همین‌جا بتوان اختصاصی‌بودن لقب عالم به ملاها را در افغانستان درک کرد. در افغانستان، اگر ملا نباشی، حتا سند دکتری داشته باشی کسی تو را عالم نمی‌خواند. بنابراین، یک دلیل عمده بی‌مهری طالبان به مکاتب و توجه‌شان به مدارس دینی همین ذهنیت ریشه‌دار در مدارس دیوبندی است.



## قرارگاه‌های نظامی

اما علاوه بر این، طالبان با ایجاد این مدارس می‌کوشند یک نیروی ذخیره برای تهاجم و جنگ‌های احتمالی نیز در اختیار داشته باشند. در دور نخست حاکمیت نیز در هر گوشه کشور مدارس بی‌شماری ایجاد شده و حتی هر فرمانده آنان یک مدرسه دینی را تمویل می‌کرد. و از این مدارس به نام «مدارس جهادی» یاد می‌کردند. من خوب به یاد دارم در آن زمان هنگامی که در یک گوشه‌ای کشور جنگی آغاز می‌شد و یا فصل تعطیلات مدارس دینی می‌رسید، طلبه‌ها را به سنگرهای نظامی می‌بردند و از آن‌ها به حیث جنگجو استفاده می‌کردند.

بار دیگر این گروه از تصمیم خود برای تاسیس و ایجاد مدارس به صورت انبوه خبر داده‌اند، من به قطع و یقین گفته می‌توانم که یکی از اهداف آنان استفاده نظامی از طلبه‌های این نهادها در جنگ‌های احتمالی آینده است. واقعیت این است که تاسیس چنین مدارس، یک نیروی ذخیره کاملاً ایدئولوژیک در اختیار طالبان می‌گذارد که در جنگ‌های آینده هیچ گاهی به کمبود جنگجو مواجه نشوند. اکوره ختک‌سازی افغانستان

در ناحیه اکوره ختک در کوئته پاکستان، مدرسه‌ای به نام دارالعلوم حقانیه وجود دارد. این مدرسه، طلبه‌های خود با روحیه تندورانه و جهادی تربیه می‌کند. رهبران طالبان اکثراً فارغان همین مدرسه دینی‌اند. چندسال پیش، مولانا یوسف شاه، پسر مولانا سمیع‌الحق که «پدر معنوی طالبان» خوانده می‌شود، در گفتگو با تلویزیون دویچه وله، در حالی که لبخند بر لب داشت، با تفاخر نام شماری از اعضای رهبری طالبان را گرفته و گفت که اکثر آن‌ها فارغان مدرسه حقانیه‌اند. مولانا یوسف همین اکنون مسئول مدرسه حقانیه است.



مدرسه حقانیه یکی از بزرگترین مدارس پاکستان است که گفته می‌شود شمار زیادی اعضای گروه طالبان افغانستان در آن آموزش دیده‌اند

باورم این است که اگر طالبان تصمیم خود مبنی بر تاسیس مدارس دینی به شکل انبوه در شهرها و شهرستان‌ها را عملی کنند، آن‌گاه افغانستان به یک اکوره ختک بزرگ مبدل خواهد شد. مدرسه حقانیه

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

دراکوره ختگ اگر سال‌ها باعث بی‌ثباتی افغانستان گردیده است، افغانستان به مرکز تولید جهادپرست‌ها شده و امنیت و ثبات منطقه و جهان را تهدید خواهد کرد. این‌که طالبان در نظر دارد چنین مدرسی را تاسیس کنند، حتماً با امکانات مالی خواهند کرد که در اختیار وزارت معارف قرار می‌گیرد. بهتر است دنیا روی امکانات مالی که در اختیار وزارت معارف قرار می‌دهند، نظارت جدی داشته و اجازه ندهند که از آن برای چنین مقاصدی سوءاستفاده گردد. (پایان مقاله بی بی سی)

مقالات مهم ذیل را در این ارتباط در سایت بی بی سی بخوانید:

- طالبان از کدام اسلام سخن می‌گویند؟
- مدرسه حقانیه پاکستان 'افتخار می‌کند' که فارغ التحصیلانش مقام‌های دولت طالبان شده‌اند
- آیا مشکل سلفی‌ها و طالبان حل می‌شود؟
- اسلام دیوبندی در افغانستان و ایران جدال قم و دیوبند در میدان افغانستان

---

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ